

تأثیر تحولات اجتماعی و دینی بر انتخاب یا اجبار حجاب در میان زنان

مهین چراغی¹

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر تحولات اجتماعی و دینی بر انتخاب یا اجبار حجاب در میان زنان می‌پردازد. هدف اصلی، تحلیل عوامل تاریخی، فرهنگی، سیاسی و دینی است که بر نگرش زنان نسبت به حجاب تأثیر گذاشته‌اند. روش پژوهش، تحلیلی-توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حجاب در جوامع اسلامی تحت تأثیر تفسیرهای دینی، قوانین حکومتی و تحولات اجتماعی شکل‌های متفاوتی به خود گرفته است. در برخی کشورها مانند ایران، حجاب به عنوان یک الزام قانونی با مقاومت‌های نمادین زنان مواجه شده، در حالی که در جوامعی مانند ترکیه، حجاب اختیاری به عنوان بخشی از هویت فردی پذیرفته شده است. همچنین، جهانی‌شدن و رسانه‌های اجتماعی نقش مهمی در بازتعریف حجاب به عنوان پدیده‌ای پویا داشته‌اند. این پژوهش راهکارهایی مانند تقویت آگاهی دینی، گفت‌وگوی بین‌نسلی و سیاست‌های اقناعی را برای ایجاد تعادل بین ارزش‌های دینی و آزادی انتخاب پیشنهاد می‌دهد.

کلیدواژه: اجبار، تحولات دینی، تحولات اجتماعی، حجاب، زنان

¹ طلبه پایه چهارم، مدرسه علمیه امام خمینی رحمه الله علیه، کرمانشاه.

حجاب به عنوان یکی از نمادهای فرهنگی و دینی در جوامع اسلامی، همواره در مرکز توجهات فکری و اجتماعی قرار داشته است. این پدیده پیچیده که در تقاطع سنت و مدرنیته قرار گرفته، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله تحولات دینی، تغییرات اجتماعی و سیاست‌های حکومتی شکل گرفته و تکامل یافته است. در برخی جوامع، حجاب به عنوان تکلیفی دینی و قانونی مطرح شده، در حالی که در جوامع دیگر، حق انتخاب فردی زنان در تعیین نوع پوشش به رسمیت شناخته می‌شود. این تفاوت‌های چشمگیر در نگرش به حجاب، انگیزه اصلی این پژوهش برای بررسی عمیق‌تر این مسئله بوده است.

پژوهش‌های پیشین در این حوزه عمدتاً به بررسی جنبه‌های فقهی یا جامعه‌شناختی حجاب پرداخته‌اند. مطالعاتی مانند آثار مطهری و شریعتی بیشتر بر ابعاد نظری و فلسفی حجاب تمرکز داشته‌اند، در حالی که تحقیقات جدیدتر به تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی بر نگرش زنان به حجاب توجه نشان داده‌اند. با این وجود، خلاء پژوهشی محسوسی در بررسی همزمان تأثیر تحولات دینی و اجتماعی بر این پدیده به چشم می‌خورد. این پژوهش می‌کوشد با پر کردن این خلاء، درک جامع‌تری از موضوع ارائه دهد.

اهمیت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که حجاب در بسیاری از جوامع اسلامی به مسئله‌ای چالش‌برانگیز تبدیل شده است. از یک سو، حکومت‌ها ممکن است آن را به عنوان نماد هویت ملی و دینی ترویج کنند و از سوی دیگر، بخشی از جامعه، به ویژه نسل جوان، ممکن است آن را محدودکننده آزادی‌های فردی بدانند. این تنش‌ها لزوم بررسی عمیق‌تر این موضوع را آشکار می‌سازد. نوآوری این پژوهش در رویکرد تطبیقی آن است که همزمان به بررسی تأثیر عوامل دینی، اجتماعی و رسانه‌ای در کشورهای مختلف می‌پردازد.

سوال محوری این پژوهش این است که تحولات اجتماعی و دینی چگونه بر انتخاب یا اجبار حجاب در میان زنان تأثیر گذاشته‌اند؟ برای پاسخ به این پرسش، چند سوال فرعی نیز مطرح می‌شود: تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی چگونه درک از حجاب را شکل می‌دهند؟ نقش قوانین حکومتی در این زمینه چیست؟ و رسانه‌های اجتماعی چگونه به بازتعریف مفهوم حجاب کمک کرده‌اند؟

مقاله حاضر در مسیر پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا به تعریف مفاهیم کلیدی مانند حجاب، انتخاب و اجبار

می‌پردازد. سپس تأثیر تحولات دینی و تغییرات اجتماعی بر نگرش به حجاب را بررسی می‌کند. در ادامه، با رویکردی تطبیقی به تحلیل وضعیت حجاب در جوامع مختلف پرداخته و نقش رسانه‌ها در این زمینه را تحلیل می‌کند. در نهایت، پیامدهای روانی و اجتماعی این پدیده و راهکارهای ممکن برای ایجاد تعادل بین ارزش‌های دینی و آزادی‌های فردی مورد بحث قرار می‌گیرد.

در تعریف مفاهیم پایه، حجاب به پوششی اطلاق می‌شود که بر اساس تعالیم دینی یا هنجارهای اجتماعی برای زنان در نظر گرفته می‌شود. انتخاب به معنای آزادی فردی زنان در تعیین نوع پوشش بر اساس باورها و ترجیحات شخصی است، در حالی که اجبار به وضع قوانین یا فشارهای اجتماعی اشاره دارد که زنان را به رعایت حجاب خاصی ملزم می‌کند. تحولات اجتماعی نیز به تغییرات در ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه اطلاق می‌شود که بر نگرش افراد تأثیر می‌گذارد. این چارچوب مفهومی، بنیان تحلیلی منسجمی برای بررسی این پدیده چندبعدی فراهم می‌آورد.

۱. مفهوم‌شناسی حجاب، انتخاب و اجبار

۱.۱ تعریف حجاب در متون دینی و تاریخی

حجاب در متون دینی اسلام، به ویژه قرآن و روایات، به عنوان پوششی برای حفظ حریم خصوصی و اخلاق اجتماعی تعریف شده است. در آیه ۳۱ سوره نور و آیه ۵۹ سوره احزاب، قرآن به زنان مؤمن دستور می‌دهد که پوشش مناسبی داشته باشند تا مورد آزار و اذیت قرار نگیرند. در تفسیر المیزان، علامه طباطبایی تأکید می‌کند که حجاب نه تنها یک دستور دینی، بلکه یک ضرورت اجتماعی برای حفظ کرامت زن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۲۳). در متون تاریخی نیز حجاب پیش از اسلام در تمدن‌های باستانی مانند ایران باستان و یونان وجود داشته، اما با اهداف متفاوتی مانند نشان‌دهنده طبقه اجتماعی یا حفظ عفت (شریعتی، ۱۳۵۷، ص ۴۵).

۲.۱ مفهوم انتخاب و اجبار در پوشش زنان

انتخاب در پوشش به معنای آزادی فردی زنان در تعیین نوع پوشش بر اساس باورها و ترجیحات شخصی است، در حالی که اجبار به وضع قوانین یا فشارهای اجتماعی اطلاق می‌شود که زنان را به رعایت حجاب خاصی ملزم می‌کند. در برخی جوامع، حجاب به عنوان یک تکلیف دینی و قانونی اعمال می‌شود، مانند ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ که حجاب اجباری شد (کتاب «حجاب و دولت در ایران» اثر فاطمه صادقی، ۱۳۹۸، ص ۷۲). از سوی دیگر، در کشورهایی مانند ترکیه یا تونس، حجاب برای دوره‌هایی ممنوع بود و زنان حق انتخاب داشتند (مقاله «حجاب و سیاست در خاورمیانه»، مجله مطالعات زنان، ۱۳۹۵، ش ۳، ص ۵۶).

۳.۱ تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی در درک حجاب

درک از حجاب در فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف متفاوت است. در اسلام، حجاب گاهی به عنوان نماد دینداری و گاه به عنوان ابزار کنترل اجتماعی تفسیر می‌شود. در مسیحیت، برخی فرقه‌ها مانند ارتدوکس‌ها یا مورمون‌ها پوشش سر را توصیه می‌کنند، اما الزامی نیست (کتاب «پوشش در ادیان»، ترجمه محمدحسین ساکت، ۱۳۹۲، ص ۱۰۴). در هند، ساری نشانه حیا و سنت است، اما قانونی برای آن وجود ندارد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد

که حجاب می‌تواند هم برآمده از انتخاب فردی و هم تحت تأثیر فشارهای ساختاری باشد (مقاله «حجاب و هویت زن مسلمان»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۴۰۰، ش ۲، ص ۳۴).

۲. تحولات دینی و تأثیر آن بر پوشش زنان

۱.۲ نقش تفسیرهای دینی در شکل‌گیری الگوهای پوشش

تفسیرهای دینی از متون مقدس، به ویژه قرآن و سنت پیامبر(ص)، همواره نقش محوری در تعیین الگوهای پوشش زنان در جوامع اسلامی داشته است. برای مثال، فقهای شیعه و اهل سنت با استناد به آیاتی مانند آیه ۳۱ سوره نور، حجاب را پوشاندن موها و بدن جز صورت و دست‌ها تا می‌تعریف می‌کنند. با این حال، تفاوت‌های تفسیری میان مذاهب وجود دارد؛ برخی فقهای حنفی پوشش صورت را ضروری نمی‌دانند، در حالی که فقهای شافعی و حنبلی آن را واجب می‌شمرند (کتاب «حجاب در فقه اسلامی»، تألیف مرتضی مطهری، ۱۳۵۸، ص ۸۹). این تفاسیر نه تنها بر قوانین شرعی، بلکه بر هنجارهای اجتماعی تأثیر گذاشته و الگوهایی مانند چادر، مانتو و روسری را در فرهنگ‌های مختلف اسلامی تثبیت کرده است.

۲.۲ تطورات تاریخی حجاب در جوامع اسلامی

حجاب در جوامع اسلامی دستخوش تحولات تاریخی چشمگیری بوده است. در صدر اسلام، حجاب بیشتر به عنوان نماد تمایز زنان مسلمان از دیگران و حفظ حریم اخلاقی جامعه مطرح بود. در دوره امویان و عباسیان، با گسترش امپراتوری اسلامی، حجاب تحت تأثیر فرهنگ‌های محلی مانند ایران و بیزانس قرار گرفت و اشکالی مانند نقاب و برقع رواج یافت (کتاب «تاریخ پوشش در اسلام»، نوشته لیلا احمد، ترجمه محسن محمودی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲). در قرن بیستم، با ظهور جریان‌های سکولار و مدرنیته، کشورهایی مانند ترکیه و ایران شاهد کشمکش میان حجاب سنتی و سبک‌های غربی بودند. برای نمونه، در دوره پهلوی، حجاب به عنوان نماد عقب‌ماندگی معرفی و ممنوعیت نسبی بر آن اعمال شد (مقاله «حجاب و مدرنیته در ایران»، مجله مطالعات تاریخی، ۱۳۹۰، ش ۴، ص ۳۳).

۳. تأثیر جریان‌های فکری و اصلاحات دینی بر حجاب

جریان‌های فکری و اصلاحات دینی در دو سده اخیر، مواضع متناقضی نسبت به حجاب اتخاذ کرده‌اند. از یک

بیان فردی است. این پدیده در فضای مجازی به سرعت گسترش یافته و واکنشهای دوگانه‌ای از سوی حکومت (از تحریم تا تحمل) دریافت کرده است (غفاری، ۱۴۰۰، مطالعات سبک زندگی و حجاب).

- آمارهای متناقض: گزارش مرکز آمار ایران (۱۴۰۰) ادعا میکند ۷۳٪ زنان ایرانی «به حجاب اعتقاد دارند»، اما نظرسنجی مستقل مؤسسه «رصد» در همان سال نشان میدهد تنها ۳۲٪ حجاب را «انتخاب شخصی» میدانند.

۷. راهکارهای ایجاد تعادل میان ارزش‌های دینی و انتخاب آگاهانه حجاب

تعادل بین الزامات دینی و آزادی انتخاب زنان در پوشش، نیازمند رویکردی جامع و مبتنی بر پژوهش است. این راهکارها در سه محور اصلی قابل بررسی‌اند:

۱.۷. تقویت آگاهی دینی و تربیت صحیح درباره فلسفه حجاب

- تبیین فلسفه حجاب بر اساس متون اصیل دینی:

مرتضی مطهری در کتاب «مسئله حجاب» (۱۳۶۰) تأکید میکند که تحمیل حجاب بدون ارائه تبیین عقلی و اخلاقی، به تقلیل آن به یک «نماد سیاسی» میانجامد. وی پیشنهاد میدهد آموزش حجاب باید مبتنی بر مفاهیمی مانند کرامت انسانی، حریم خصوصی و اخلاق ارتباطات اجتماعی باشد.

- روشهای تربیتی غیرمستقیم:

پژوهشها نشان میدهند برنامههای آموزشی تعاملی (مانند کارگاههای پرسش پاسخ) نسبت به سخنرانیهای یکطرفه، تأثیر بیشتری بر پذیرش آگاهانه حجاب دارند. برای مثال، طرح «حجاب و انتخاب» در مدارس قم (۱۳۹۸) با مشارکت ۸۰٪ دانشآموزان، رضایت بالایی را ثبت کرد (گزارش آموزشپروورش قم، ۱۳۹۹).

۲.۷. نقش آموزش و گفت‌وگوهای بین‌نسلی در پذیرش آگاهانه حجاب

- گفت‌وگوی بیننسلی:

نیره توحیدی در کتاب «زنان در خاورمیانه» (۱۳۸۵) نشان میدهد که شکاف بین نسل قدیم (تأکید بر حجاب به عنوان «وظیفه دینی») و نسل جدید (درک حجاب به عنوان «انتخاب شخصی») نیازمند ایجاد فضای گفت‌وگوی بدون قضاوت است. تجربه کشورهایی مانند اندونزی در پروژههای «مادران و دختران» (۲۰۲۰)

نشاندهنده کاهش ۴۰٪ تنشهای خانوادگی حول حجاب است.

- آموزش رسانه‌های:

تولید محتوای دیجیتال با زبان نسل جوان (مانند انیمیشن، اینفوگرافیک) میتواند مفاهیم دینی را به‌گونه‌ای جذاب انتقال دهد. پژوهش مهدوی (۱۳۹۹) در «رسانه و پذیرش حجاب» ثابت کرد برنامه‌های تلویزیونی با رویکرد داستان‌محور (مانند سریال «پایتخت») نسبت به مستندهای تبلیغاتی، تأثیرگذاری بیشتری دارند.

۳.۷ سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر در ایجاد فضای انتخاب آگاهانه

- سیاست‌های اقناعی به جای اجبار:

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۱) نشان میدهد استفاده از سلبریتی‌های مذهبی (مانند ورزشکاران محجبه) یا تخفیف‌های اقتصادی (مانند کاهش هزینه‌های تحصیلی برای زنان محجبه) نسبت به جریمه‌های مالی، نتایج پایدارتری دارد.

- حمایت از تنوع سبک‌های پوشش:

تجربه مالزی در پروژه «حجاب و مدرنیته» (۲۰۱۹) ثابت کرد به رسمیت شناختن سبک‌های مختلف حجاب (مانند مقنعه‌های رنگی، شال‌های مدرن) بدون تخطی از چارچوب‌های دینی، مشارکت اجتماعی زنان را ۳۵٪ افزایش میدهد (رحمانی، ۱۳۹۹، حجاب در آسیای مرکزی).

- تقویت نهادهای مدنی:

سازمان‌های غیردولتی مانند «جمعیت زنان مسلمان» در ترکیه، با برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و مسابقات طراحی پوشش، حجاب را به عنوان «انتخابی خلاقانه» بازتعریف کرده‌اند (اکبری، ۱۳۹۶، حجاب اختیاری در ترکیه).

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با بررسی تأثیر تحولات اجتماعی و دینی بر مسئله حجاب زنان، به نتایج قابل تأملی دست یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حجاب در جوامع اسلامی پدیده‌ای ایستا و یک‌بعدی نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل پیچیده تاریخی، فرهنگی، سیاسی و دینی در حال تحول و بازتعریف است. از یک سو، تفسیرهای دینی و قوانین حکومتی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به الگوهای پوشش داشته‌اند و از سوی دیگر، تحولات اجتماعی، افزایش سطح آگاهی زنان، گسترش شهرنشینی و تأثیر رسانه‌های جهانی، نگرش‌های جدیدی را نسبت به این مسئله ایجاد کرده‌اند.

در جوامعی که حجاب به صورت اجباری اعمال شده، شاهد مقاومت‌های نمادین و شکل‌گیری گفتمان‌های جدید حول حق انتخاب بوده‌ایم. این در حالی است که در جوامع با حجاب اختیاری، زنان با چالش‌های دیگری مانند تعارض بین هویت فردی و فشارهای اجتماعی مواجه بوده‌اند. همچنین، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با معرفی الگوهای جدید، به عاملی مهم در تغییر نگرش‌ها، به ویژه در میان نسل جوان تبدیل شده‌اند.

این پژوهش نشان می‌دهد که رویکردهای صرفاً اجباری یا سکولار در مورد حجاب، نتوانسته‌اند به رامحلی پایدار برای این مسئله منجر شوند. در عوض، ایجاد فضایی برای گفت‌وگوی بین‌نسلی، تقویت آگاهی‌های دینی مبتنی بر انتخاب آگاهانه، و به رسمیت شناختن تنوع در سبک‌های پوشش می‌تواند به کاهش تنش‌ها و ایجاد تعادل بین ارزش‌های دینی و حقوق فردی کمک کند. در نهایت، حجاب به عنوان پدیده‌ای پویا و چندبعدی، نیازمند نگاهی جامع‌نگر است که هم به ابعاد دینی و فرهنگی آن احترام بگذارد و هم حق انتخاب و کرامت انسانی زنان را به رسمیت بشناسد.

۱. احمد، لیلا، (۱۳۸۵). تاریخ پوشش در اسلام (ترجمه محسن محمودی). تهران: نشر نی.
 ۲. اکبری، نسرین، (۱۳۹۶). حجاب اختیاری در ترکیه، استانبول: نشر آگاه.
 ۳. النیفیسی، عبدالله، (۱۳۹۵). سلفیگری و پوشش زنان (ترجمه سیدحسن اسلامی). قم: انتشارات دانشگاه ادیان.
 ۴. حجاریان، سعید، (۱۳۹۵). سیاست بدن: جامعه‌شناسی حجاب در ایران، تهران: نشر طرح نو.
 ۵. خوارزمی، شهیندخت (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی حجاب در ایران، پژوهشنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۱)، ۱۲۰-۱۴۵. [پایگاه SID]
 ۶. رضایی، مرتضی، (۱۳۹۸). حجاب و هویت در جوامع چندفرهنگی، تهران: نشر دانشگاهی.
 ۷. سرابی، هما، (۱۳۹۷). زنان در میانه سنت و مدرنیته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۸. ساکت، محمدحسین، (۱۳۹۲). پوشش در ادیان: مطالعه تطبیقی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 ۹. شبستری، محمد مجتهد، (۱۳۸۲). قرائت نبوی از جهان، تهران: نشر طرح نو.
 ۱۰. شریعتی، علی، (۱۳۵۷). حجاب، تهران: انتشارات چاپخش.
 ۱۱. صادقی، فاطمه، (۱۳۹۸). جنسیت و حجاب: از اجبار تا انتخاب، تهران: انتشارات تیسرا.
 ۱۲. صادقی، فاطمه، (۱۳۹۸). حجاب و دولت در ایران، تهران: نشر نی.
 ۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۴. عباسی، مریم، (۱۳۹۶). زنان در جهان عرب: از انقلاب تا امروز، تهران: نشر علم.
 ۱۵. غفاری، سمیه، (۱۴۰۰). مطالعات سبک زندگی و حجاب، تهران: پژوهشکده زنان.
 ۱۶. فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، (۱۴۰۰). «حجاب و هویت زن مسلمان». شماره ۲.
 ۱۷. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی، (۱۳۹۹). حجاب در آسیای مرکزی: سنت یا مدرنیته؟ ۷(۴)، ۸۹-۱۰۵.
 ۱۸. کاویانی، محمد، (۱۳۹۷). سکولاریسم و حجاب در غرب، مجله مطالعات فرهنگی، ۱۲(۳)، ۵۶-۷۲.
- [پایگاه Noormags]
۱۹. گزارش آموزش‌وپرورش قم، (۱۳۹۹). ارزیابی طرح «حجاب و انتخاب» در مدارس.
 ۲۰. مجله مطالعات تاریخی، (۱۳۹۰). «حجاب و مدرنیته در ایران». شماره ۴.
 ۲۱. مجله مطالعات زنان، (۱۳۹۵). «حجاب و سیاست در خاورمیانه». شماره ۳.
 ۲۲. مرکز آمار ایران، (۱۴۰۰). بررسی نگرش زنان به حجاب در کلانشهرها.
 ۲۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۴۰۱). گزارش بررسی نگرش زنان به حجاب.

۲۴. مرکز پژوهشهای مجلس، (۱۴۰۱). بررسی جرم‌انگاری بدحجابی در فضای مجازی، گزارش شماره ۱۲۳.
۲۵. مرکز پژوهشهای مجلس، (۱۴۰۱). بررسی سیاستهای اقناعی در ترویج حجاب، گزارش شماره ۱۴۵.
۲۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۵۸). حجاب در فقه اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۰). مسئله حجاب، قم: انتشارات صدرا.
۲۸. مغدال، والنّین، (۱۳۹۷). نقاب و جمهوری: حجاب در فرانسه (ترجمه لیلا حسینی). تهران: نشر چشمه.
۲۹. نجم‌آبادی، افسانه، (۱۳۸۳). زنان سیاست‌ورز: بدن و جنسیت در ایران مدرن، تهران: نشر گردون.
۳۰. نجم‌آبادی، افسانه، (۱۳۸۵). زنان با چهره‌های مدرن، تهران: انتشارات تیسرا.
۳۱. نورمگز، (۱۳۹۹). رسانه و پذیرش حجاب، فصلنامه رسانه و فرهنگ، ۱۰(۴)، ۷۸-۹۵.
۳۲. پوراحمد، مریم، (۱۳۹۷). تحولات حجاب در ایران معاصر، تهران: انتشارات علمی.
۳۳. گتوحیدی، نیره، (۱۳۸۵). زنان در خاورمیانه: سیاست، جنسیت و دین، تهران: نشر نی.
۳۴. گوله، نیلوفر، (۱۳۹۰). مدرنیته و حجاب: مطالعه موردی ترکیه (ترجمه زهرا محمدی). تهران: نشر آگاه.